Original Article Open Access

Child Rights Journal

2024; 6(21): 15-34

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

The Protection of Children in Armed Conflicts in Light of Developments in International Humanitarian Law and Emerging Military Technologies

Mohammad Mehdi Seyednasseri[1], Leila Mirbod[2*]

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. Department of Law, Faculty of Faculty of Law, Theology and Political Science, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Contemporary transformations in the nature of armed conflicts and the emergence of new military technologies have created new challenges for the protection of children as the most vulnerable civilian group. Children in armed conflicts are disproportionately exposed to violations of their fundamental rights, including the rights to life, health, security, education and development. This study aims to analyze the obligations of states and parties to armed conflict in protecting children and to evaluate the effectiveness of international humanitarian law mechanisms in light of recent transformations in warfare.

Methods: This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of methodology. Data were collected and analyzed through library-based research and the examination of international legal instruments, including the four Geneva Conventions, the Additional Protocols, the Convention on the Rights of the Child and other relevant documents and practices.

Results: The findings indicate that international humanitarian law and international human rights law provide a relatively comprehensive framework for the protection of children in armed conflicts. However, technological developments in methods of warfare, including the use of advanced military technologies and the increasing number of attacks against civilian areas, have created significant gaps between legal norms and their practical implementation. This situation has intensified the physical and psychological harm suffered by children and has contributed to the growing incidence of widespread violations of their rights.

Conclusion: The results of the study demonstrate that effective protection of children in armed conflicts requires strengthening the implementation mechanisms of international humanitarian law, developing updated interpretations compatible with new military technologies and enhancing the accountability of states and other parties to armed conflict. Without reconsidering existing legal frameworks and ensuring their effective enforcement, genuine protection of children in situations of armed conflict will not be achieved.

Keywords: Children; Armed Conflicts; International Humanitarian Law; New Military Technologies; Protection of Civilians; Children's Rights

Corresponding Author: Leila Mirbod; **Email:** Leila_mirbod@yahoo.com

Received: August 08, 2023; **Accepted:** November 22, 2023

Please cite this article as:

Seyednasseri MM, Mirbod L. The Protection of Children in Armed Conflicts in Light of Developments in International Humanitarian Law and Emerging Military Technologies. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 15-34.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

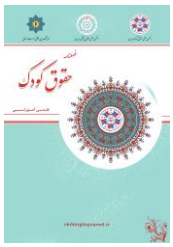

فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌ویکم، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۳۴-۱۵

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فناوری‌های نوین جنگ

محمدمهدی سیدناصری[۱]، لیلا میربد[۲]*

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحولات معاصر در ماهیت مخاصمات مسلحانه و ظهور فناوری‌های نوین جنگی، چالش‌های تازه‌ای را در زمینه حمایت از کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه غیر نظامی ایجاد کرده است. کودکان در مخاصمات مسلحانه به طور نامتناسبی در معرض نقض حقوق بنیادین، از جمله حق بر حیات، سلامت، امنیت، آموزش و رشد قرار می‌گیرند. هدف این پژوهش، تحلیل تکالیف دولت‌ها و طرف‌های مخاصمه در حمایت از کودکان و ارزیابی کارآمدی سازوکارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پرتو تحولات نوین جنگ است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل‌های الحاقی، کنوانسیون حقوق کودک، و سایر اسناد و رویه‌های مرتبط گردآوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر چهارچوب نسبتاً جامعی برای حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه فراهم کرده‌اند، با این حال تحولات فناورانه در شیوه‌های جنگ، از جمله استفاده از فناوری‌های پیشرفته و افزایش حملات علیه مناطق غیر نظامی، شکاف‌هایی جدی میان هنجارهای حقوقی و اجرای عملی آن‌ها ایجاد کرده است. این وضعیت موجب تشدید آسیب‌های جسمی و روانی کودکان و افزایش موارد نقض گسترده حقوق آنان شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از کودکان در مخاصمات مسلحانه مستلزم تقویت سازوکارهای اجرایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، توسعه تفسیرهای نوین متناسب با فناوری‌های جنگی جدید و افزایش مسئولیت‌پذیری دولت‌ها و سایر بازیگران مخاصمه است. بدون بازاندیشی در چهارچوب‌های حقوقی موجود و تضمین اجرای مؤثر آن‌ها، حمایت واقعی از کودکان در شرایط جنگی تحقق نخواهد یافت.

واژگان کلیدی: کودکان؛ مخاصمات مسلحانه؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ فناوری‌های نوین جنگ؛ حمایت از غیر نظامیان؛ حقوق کودک

نویسنده مسئول: لیلا میربد؛ **پست الکترونیک:** Leila_mirbod@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Seyednasseri MM, Mirbod L. The Protection of Children in Armed Conflicts in Light of Developments in International Humanitarian Law and Emerging Military Technologies. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 15-34.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های نظام حقوق بین‌الملل معاصر و از مهم‌ترین حوزه‌های تحول‌یافته در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌آید. تحولات شتابان در ماهیت مخاصمات مسلحانه، گسترش جنگ‌های نامتقارن و پیچیده و ظهور فناوری‌های نوین جنگی، الگوهای سنتی حمایت از غیر نظامیان را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در این میان، کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه غیر نظامی، بیش از سایرین در معرض پیامدهای ویرانگر مخاصمات مسلحانه قرار دارند؛ پیامدهایی که نه‌تنها حیات و سلامت جسمی و روانی آنان را تهدید می‌کند، بلکه مسیر رشد، آموزش، امنیت و آینده اجتماعی آنان را نیز با مخاطرات عمیق رو به رو می‌سازد. از این رو حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه صرفاً یک تعهد اخلاقی یا بشردوستانه نیست، بلکه به عنوان یک هنجار تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل، جایگاهی محوری در نظام حقوقی بین‌المللی یافته است.

ریشه‌های حقوقی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را می‌توان در قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه جستجو کرد که به طور نظام‌مند در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ تبلور یافته‌اند. این اسناد، با تأکید بر اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان و اصل حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر، چهارچوبی الزام‌آور برای حمایت از کودکان در زمان مخاصمه ایجاد کرده‌اند. تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ گامی تعیین‌کننده در تکامل این روند محسوب می‌شود، زیرا این سند با شناسایی صریح کودکان به عنوان دارندگان مستقل حقوق، حمایت از آنان را در هر دو وضعیت صلح و جنگ مورد تأکید قرار داده و ابعاد مختلف حق بر زندگی، بقا و رشد را در یک چهارچوب جامع حقوقی تثبیت کرده است، به ویژه ممنوعیت به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، مقابله با قاچاق کودکان و جلوگیری از سایر اشکال نقض شدید حقوق کودک، جایگاه حقوقی حمایت از کودکان را در نظام حقوق بین‌الملل تحکیم بخشیده است.

در کنار این تحولات حقوقی، آموزه‌های حقوقی و اخلاقی تمدن‌ها و نظام‌های حقوقی مختلف نیز از دیرباز بر ضرورت مصونیت کودکان از خشونت‌های جنگی تأکید داشته‌اند. در این میان، قواعد حقوق اسلامی، از جمله نظام‌های حقوقی پیشگام در شناسایی مصونیت غیر نظامیان، به ویژه کودکان، در زمان جنگ بوده است. این قواعد که بر اصول انسانی و اخلاقی استوارند، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه هنجارهای حمایتی از کودکان در مخاصمات مسلحانه فراهم می‌آورند و می‌توانند مبنایی برای بازخوانی و تقویت مقررات حمایتی در کشورهای اسلامی باشند.

تحول گفتمان حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه تا حد زیادی مرهون تلاش‌های نهادهای بین‌المللی و شخصیت‌های تأثیرگذار در این حوزه است. گزارش جامع سال ۱۹۹۶ درباره تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان، که به «پژوهش ماشل» شهرت یافت، نقطه عطفی در توجه جامعه بین‌المللی به ابعاد گسترده نقض حقوق کودکان در مناطق جنگی محسوب می‌شود و ضرورت اتخاذ اقدامات فوری برای حمایت از کودکان را برجسته ساخت. پس از آن، توسعه مأموریت نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور کودکان و مخاصمات مسلحانه نقش مهمی در تقویت سازوکارهای نظارتی و ارتقای پاسخگویی نسبت به نقض حقوق کودکان ایفا کرده است. در همین راستا، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها، از جمله قطعنامه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

۱۶۱۲، سازوکار نظارت و گزارش‌دهی درباره نقض‌های شدید حقوق کودکان را ایجاد کرده و گنجاندن مشاوران حمایت از کودک در مأموریت‌های حفظ صلح را مورد تأکید قرار داده است.

نقش سازوکارهای کیفری بین‌المللی نیز در تقویت حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه قابل توجه است. تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات جنگی مرتبط با کودکان، از جمله به کارگیری کودکان سرباز، خشونت جنسی علیه کودکان و حمله به مراکز آموزشی و درمانی، نشان‌دهنده شکل‌گیری تدریجی اصل پاسخگویی کیفری در قبال نقض حقوق کودکان است. این روند بیانگر آن است که جامعه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای در جهت مقابله با بی‌کیفرمانی و تضمین حمایت مؤثر از کودکان در شرایط مخاصمه حرکت کرده است.

در کنار چهارچوب‌های حقوقی و سازوکارهای پاسخگویی، سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی و نهادهای جامعه مدنی نیز نقش اساسی در حمایت عملی از کودکان آسیب‌دیده از جنگ ایفا می‌کنند. این نهادها با ارائه خدمات اساسی، از جمله حمایت‌های روانی ـ اجتماعی، خدمات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی، در کاهش آثار مخرب مخاصمات بر زندگی کودکان نقش مهمی دارند و در عین حال با افزایش آگاهی عمومی و بسیج منابع، توجه جامعه جهانی را به وضعیت کودکان در مناطق جنگی جلب می‌کنند.

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در توسعه قواعد حقوقی و نهادهای حمایتی، واقعیت‌های معاصر نشان می‌دهد که شکاف میان هنجارهای حقوقی و اجرای عملی آن‌ها همچنان گسترده است. استمرار مخاصمات مسلحانه در مناطق مختلف جهان و افزایش شمار کودکان قربانی جنگ، نشان‌دهنده ناکارآمدی نسبی سازوکارهای موجود در تضمین حمایت مؤثر از کودکان است. رویدادهای جاری در مناطق مختلف جهان به روشنی نشان می‌دهد که کودکان همچنان از نخستین قربانیان جنگ به شمار می‌آیند و بی‌توجهی به اجرای دقیق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌تواند به تداوم چرخه خشونت و بی‌کیفرمانی منجر شود.

بر این اساس، بازاندیشی در تفسیر و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پرتو تحولات نوین جنگ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. حمایت مؤثر از کودکان در مخاصمات مسلحانه مستلزم آن است که هیچ تفسیری از قواعد حقوقی، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، به تضعیف مصونیت کودکان یا بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات علیه آنان منتهی نشود. آینده نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا حد زیادی به توانایی آن در تضمین حمایت واقعی و مؤثر از کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین قربانیان مخاصمات مسلحانه وابسته است.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی طیف وسیعی از اسناد و رویه‌ها و سایر آثار پژوهشی، مطالب، جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

۱. سازوکارهای بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه: مطابق با تعریف ماده اول کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، کودک به هر انسان زیر هجده سال اطلاق می شود، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

خردسالان و کودکان از نظر سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی شامل کلیه افراد کمتر از هجده سال می‌شوند که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. این تعریف شامل کودکان مهاجر، پناه‌جو و آواره نیز می‌شوند. پیمان‌نامه حقوق کودک نیز، کودکان تحت حمایت کنوانسیون هر انسان دارای هجده سال یا کمتر از هجده سال تعریف شده است. بنابراین تعیین سن در سند یادشده با اسناد بین‌المللی مطابقت دارد.

به علاوه در ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، حضور افراد زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه ممنوع شده است که البته این سن در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در جنگ که در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا شد، به ۱۸ سال افزایش یافته است. با تکیه بر موارد فوق و توجه به ابعاد مختلف تعریف کودکی، نمی‌توان به طور دقیق حدود سنی کودک را مشخص کرد، اما می‌توان گفت با تکیه بر کنوانسیون حقوق کودک، پایان کودکی همان ۱۸ سال تلقی شده است و آغاز آن را می‌توان از قبل از تولد کودکان و دوره جنینی در نظر گرفت. پس دولت‌ها باید برای ایفای حق بر سلامت کودکان، علاوه بر اقدامات لازم در سطح ملی در عرصه بین‌المللی نیز فعال باشند تا کودکان از دوره کودکی، در همه جنبه‌ها، به سلامت عبور کنند (۱).

کودکان به عنوان بخشی از جامعه که به بیشترین حمایت در برابر خشونت و آزار جنسی و سوءتغذیه و شرکت در مخاصمات مسلحانه نیاز دارند معمولاً در دوران تنش و نزاع‌های مسلحانه به فراموشی سپرده می‌شوند و در این فضای بی‌کیفری به فراخور، مورد سوءاستفاده نیروهای نظامی قرار می‌گیرند. جامعه جهانی در حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، اقدامات قابل توجهی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای انجام داده است. از جمله اقدامات بین‌المللی می‌توان به اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹ م.)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.)، کنوانسیون چهارم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، مصوب (۲۰۰۰ م.) اشاره کرد. همچنین در مورد اقدامات منطقه‌ای، می‌توان به منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (۱۹۹۰ م.)، منشور اجتماعی اروپا (۱۹۹۶ م.)، کنوانسیون اتحادیه آفریقا برای حمایت و کمک به آوارگان داخلی در آفریقا (۲۰۰۹ م.) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م.) اشاره کرد. این اقدامات نشانگر توجه دولت‌ها به آسیب‌پذیری کودکان در مخاصمات مسلحانه است که البته هنوز تعدادی از دولت‌ها، به خصوص دولت‌های آفریقایی نسبت به تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه بی‌توجه هستند. با وجود تعداد کثیری‌کنوانسیون، پروتکل و خود منشور سازمان ملل متحد، وحشت کودکان در اثر بروز جنگ‌ها رو به افزایش است و کودکان بیشتری به طرق مختلف جان و زندگی و موجودیت خویش را از دست داده و می‌دهند. جنگ‌ها به عنوان عامل اصلی، توسعه جوامع را که برای تساوی حقوقی و اجتماعی کودکان امری مهم است را تحت تأثیر قرار داده و آنان را به عنوان قربانیان اصلی و بی‌دفاع جوامع به سوی نابودی و انزوا و تبعیض می‌کشانند. مطابق با آخرین گزارش منتشرشده توسط یونیسف در سال ۲۰۲۴ روزانه هزاران کودک در سطح جهان تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم جنگ‌ها در اثر گرسنگی، کمبود آب و غذا و بیماری‌های رایج ناشی از مخاصمات مسلحانه قربانی می‌شوند. بنا بر تخمین سازمان ملل متحد در طول پنج سال گذشته به طور متوسط حداقل ۷۰ کودک در روز با نقض شدید حقوقشان مواجه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

شده و هزاران کودک کشته، معلول، به سربازی گرفته شده و یا قربانی آزار جنسی و استثمار قرار گرفته‌اند.

۲. اصل ممنوعیت به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه از نظر حقوق بین‌المللی بشردوستانه: در وهله اول، یکی از مهم‌ترین سوءاستفاده‌هایی که از کودکان، به ویژه در کشورهای آفریقایی و کشورهای آمریکای جنوبی می شود، این است که با شرکت آن‌ها در جنگ، کودکان را به عنوان فرد نظامی قلمداد می‌نمایند که یکی از پرخطرترین موارد سوءاستفاده از کودک است، زیرا بسیاری از کودکان به زور به کار گرفته می‌شوند. آن‌ها از مدارس و پرورشگاه‌هایشان ربوده می‌شوند و به علت ترس و فقر، بر این باور که این تنها راه برای محافظت در مقابل خشونتی است که اطرافشان وجود دارد و یا برای اطمینان از برخورداری از تغذیه، لباس و مراقبت‌های پزشکی به ارتش ملحق می‌شوند. در درگیری‌های امروزی، کودکان نه فقط قربانیان جنگ هستند، بلکه تبدیل به خشونت و ابزارهای جنگی در طول جنگ می‌گردند، آن‌ها را یا به عنوان سرباز به خدمت می‌گیرند و با آن‌ها را دزدیده و تبدیل به کودکان سرباز می‌کنند و آن‌ها مجبورند که به بزرگ‌ترها احساس دشمنی و تنفر داشته باشند. برای مثال، حدود ۳۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال در ۳۰ جنگ به عنوان سرباز خبرچین، خبررسان و جاسوس شرکت کرده‌اند، البته این امر دست دولت را در استناد به دلایل امنیتی برای بازداشت و محاکمه کودکان باز می‌گذارد و حتی حداقل تضمینات را از آن‌ها سلب می‌نماید. بر اساس آمار موجود در دهه‌های اخیر، در بیش از ۲۵ کشور افراد زیر ۱۶ سال در جنگ‌ها اسلحه به دست گرفته‌اند (۲). در سال ۱۹۸۸ به تنهایی تعداد آن‌ها به ۲۰۰ هزار نفر رسیده است. یکی از علل این امر، کثرت و فراوانی سلاح‌های سبک است. کودکی که با تفنگ AK-۴۷ ساخت شوروی و یا M-۱۶ ساخت آمریکا، آموزش دیده است، به طور وحشتناکی نادر به مبارزه با هر کسی هست! همچنین احتمال فرار بزرگسالان به مراتب از کودکان بیشتر است و به علاوه کودکان سرباز، طلب مزد نمی‌کنند. اغلب فعالیت‌های خود را از عملیات پشتیبانی آغاز می‌کنند که معمولاً پسرها به عنوان باربر یا پیغامبر خدمت می‌کنند و دختران نیز ممکن است آشپزی و مراقبت از زخمیان را به عهده گیرند و علاوه بر آن مورد تجاوز جنسی، فحشای اجباری و همسر اجباری برای دیگر سربازان واقع می‌شوند. این کودکان به علت عدم آگاهی از خطرات واقعی جوانی و بی‌تجربگی در معرض تهدید هستند. عده‌ای از آن‌ها نیز برای آب‌دیده‌شدن عمداً در معرض صحنه‌های هراس‌آور و شکنجه قرار می‌گیرند؛ نکته دوم آن است که به طور کلی کودکانی که در معرض آسیب‌های جنگ قرار می‌گیرند، دو دسته‌اند:

۱ـ کودکانی که سن آن‌ها زیر ۷ سال است. در این‌باره می‌بایست گفت که گروهی از این کودکان ممکن است جان خود را از دست دهند و شماری نیز دچار سوءتغذیه، بیماری و بی‌سرپرستی شوند؛

۲ـ کودکانی بین ۷ تا ۱۵ سال هستند. خطر عمده برای این گروه شرکت آن‌ها در جنگ به عنوان سرباز جنگی، خبررسان، جاسوس و... است. در این گروه علاوه بر خطرات جانی، رشد تربیتی و اخلاقی و معنوی آن‌ها نیز مختل می‌شود، خلق و خوی حیوانی بر آن‌ها تسلط می‌یابد و آینده اغلب آن‌ها، تیره و تار است و ممکن است به جنایتکاران حرفه‌ای تبدیل شوند (۳)؛ نکته سوم آنکه در رابطه با اسنادی که سربازگیری کودکان را ممنوع کرده‌اند، باید گفت: هرچند که حقوق عرفی پیش از تصویب پروتکل اول، استفاده از کودکان را در جنگ ممنوع می‌نمود، ولی تا سال ۱۹۷۷ و تصویب پروتکل اول، هیچ سند حقوقی وجود نداشت که سربازگیری

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

کودکان را غیر قانونی بداند، حتی کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ در مورد شرکت کودکان در جنگ ساکت است و راجع به استخدام و سربازگیری کودکان بحثی را ارائه ننموده است. یکی از ابتکاراتی که در سال ۱۹۷۷ مورد بحث قرار گرفت، موضوع «فراخوانی و ثبت‌نام کودکان در ارتش» و شرکت مستقیم آنان در جنگ بود. این موضوع در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول آمده است. اشکال موجود در این ماده این است که به طور قطع و جزم دولت‌ها را از شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال منع نکرده و به اقدامات و اهتمامات دولت‌ها بسنده نموده است. پروتکل دوم ژنو ۱۹۷۷ در ماده ۴ خود به موضوع شرکت کودکان در جنگ توجه داشته است و بیان می‌کند که: کودکانی که به سن ۱۵ سال نرسیده‌اند: نه مجاز هستند که به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و نه مجازند که در منازعات شرکت کنند.» مشابه این مواد در بند ۳ ماده ۳۸ پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ با همان لفظ‌پردازی‌ها وجود دارد، البته زمینه وجود عدم استفاده از کودکان در جنگ به عنوان سرباز را می‌توان در اصل ۱۹ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ دید که به کارگیری کودکان را در کارهایی که به سلامت جسمی و روانی و اخلاقی آنان آسیب می‌رساند، منع می‌نماید و چون فراخوان و ثبت‌نام کودک در ارتش و شرکت آنان در جنگ برای سلامت جسمی و روانی کودک زیانبار است (۴)، بر این اساس، استفاده از کودک به عنوان سرباز ممنوع است. بنابراین اگر این اعلامیه به طور ضمنی استفاده از کودکان را در جنگ غیر قانونی می‌داند، پیمان‌نامه ۱۹۸۹ فراخوانی، ثبت‌نام و شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال را در جنگ ممنوع می‌کند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل نظراتی را در این مورد و در راستای تفسیر ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که: اثرات جنگ بر کودکان می‌بایست در چهارچوب کلیه مواد پیمان‌نامه حقوق کودک در نظر گرفته شود و دولت‌ها در قلمرو حاکمیت خود می‌بایست اقداماتی اتخاذ کنند که حقوق همه کودکان در زمان جنگ تأمین گردد و کلیه قوانین کنوانسیون حقوق کودک، حتی آن قوانین که مربوط به زمان جنگ نیست نیز باید رعایت شوند و دولت‌ها در زمان جنگ می‌بایست نفع و صلاح کودک را در نظر گیرند. فراخوانی و یا ثبت‌نام کودکان زیر ۱۸ سال خواه داوطلبانه و خواه اجباری، نقض قوانین بشردوستانه و جنایت جنگی محسوب می‌شود.

شایسته یادآوری است که کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های ۱۹۷۷، تعهد قطعی در غیرقانونی بودن استفاده از کودکان و استخدام آن‌ها در نیروهای مسلح را اشعار نمی‌دارد و ارزش توصیه دارند و جای سوءاستفاده دولت‌ها و نقض حقوق کودکان را باز می‌گذارند، زیرا از دولت‌های عضو می‌خواهند که اقدامات ممکن، را به عمل می‌آورند. به همین جهت موجد ابهام هستند و در بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل ۱۹۷۷، ممنوعیت مستقیم شرکت در درگیری‌های مسلحانه مطرح شده که مفهوم مخالف آن این است که استفاده غیر مستقیم از کودکان برای شرکت در جنگ امکان‌پذیر است و بر این اساس، طرف درگیر بر طبق منطوق این ماده می‌تواند از کودکان، در کارهایی همچون جاسوسی و خرابکاری استفاده نماید، اما می‌بایست توجه داشت که این‌گونه اقدامات خطر بیشتری برای کودکان دارد، زیرا از جمله مسائل امنیتی کشور متخاصم محسوب می‌شود (۵). با تفسیری دیگر از این متون می‌توان قائل شد که شرکت کودکان در کارهای پشتیبانی، همانند آشپزی، باربری، پیغام‌رسانی و... که در پشت صحنه نبرد صورت می‌گیرد، بدون اشکال است که البته همگی آن‌ها سلامتی وی مضر است.

مسأله دیگر در خصوص ماده ۷۷ پروتکل اول، جمله «از فراخواندن آن‌ها به نیروهای مسلح اجتناب ورزنده است.»

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

در این خصوص ممکن است دولتی از کودکان در جنگ به عنوان سرباز استفاده کند و پس از آن، این ادعا را داشته باشد که کودکان را فراخوانی ننموده، بلکه آن‌ها خود داوطلبانه به ارتش پیوسته‌اند (۶). به همین جهت این قسمت از ماده فوق‌الذکر نیز تعهد حقوقی قطعی و جازم بر دولت‌ها تحمیل می‌نماید و از راه‌های گوناگون، مانند رسانه‌های گروهی، فشار افکار عمومی و زمینه‌های فرهنگی و عقیدتی، قابل تفسیر موسع است. بنابراین فراخوانی باید اعم از اجباری و داوطلبانه باشد و شرکت کودکان را با هر عنوانی که باشد، می‌بایست ممنوع دانست و جنایت جنگی نامید و چنانکه در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری معروف به اساسنامه رم (۱۹۹۸ م.) تصریح گردیده است: «بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح ملی و یا به کارگرفتن آن‌ها برای مشارکت فعال در کارهای جنگی» جنایت جنگی تلقی شده است.

علاوه بر ابزارهای حقوقی فوق‌الاشعار می‌توانیم به اقدامات شورای امنیت نیز در این خصوص اشاره نماییم. به طور مثال از اکتبر ۱۹۹۹ در ۳۷ جلسه مذاکره، ۷ قطع‌نامه و شش بیانیه رییس شورا، به صورت اشاره یا به تفصیل، به کودکان متأثر از جنگ توجه شده است. مصوبات سال ۱۹۹۹ حاکی از آن است که حفاظت از کودکان را به وظایف نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سیرالئون و جمهوری دموکراتیک کنگو اضافه نمود و استقرار مشاوران ارشد به منظور حفاظت از کودکانه را در عملیات مورد اشاره تصویب نمود (۶) و در قطع‌نامه ۱۲۶۱ و ۱۳۱۴ برای اولین‌بار در فعالیت‌های شورای امنیت، شاهد این هستیم که شورای امنیت موضوع کودکان متأثر از جنگ را مورد توجه قرار داد. در این قطع‌نامه‌ها خلع سلاح، خروج از مراکز نظامی و بازگشت مجدد کودکان به اجتماع مورد تأکید قرار گرفت و اعضای شورا، خواهان مراقبت از کلیه کودکان به ویژه کودکان بی‌خانمان، آواره، ربوده شده و دختران شدند.

در رابطه با پیشرفت‌هایی که نسبت به حقوق کودکان در این زمینه صورت گرفته است، می‌بایست خاطر نشان نمود که عبارت پردازی ماده ۳۸ پیمان‌نامه حقوق کودک به نحو قاطعانه‌تری دولت‌ها را ملزم می‌نماید که از «استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری کنند»، لیکن نتایج تلاش‌های صورت‌گرفته را می‌توان تا حدی در تصویب پروتکل ۲۰۰۰ در مورد ممنوعیت استفاده از کودکان در مناقشات مسلحانه دید که در مقدمه و متعاقباً ماده ۱ این پروتکل چنین آمده است که: «دولت‌های طرف توافقنامه، باید همه قوانین ممکن را اتخاذ کنند تا تضمین شود که اعضای نیروهای مسلح آن‌ها که به سن ۱۸ سالگی نرسیده‌اند، در منازعات مسلحانه شرکت نکنند» و در ماده ۲ اشعار می‌دارد: «دولت‌های طرف توافقنامه باید تضمین نمایند که اشخاصی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند، به اجبار به نیروهای مسلح آنان احضار نگردند.» این سند در سه محور کلی در رابطه با کودکان بیانگر اصول و مقرراتی است:

۱ـ سن افراد مبارزه‌کننده: افزایش سن کودکان از ۱۵ سال به ۱۸ سال است، به طوری که حداقل سن سربازگیری داوطلبانه و اجباری به نیروهای مسلح ۱۸ سال است «ماده ۱» که این خود همسویی اسناد حقوق بشری با اسناد حقوق بشردوستانه و نقطه تعامل آن‌ها را بیان می‌کند (۷)؛

۲ـ عدم شرکت اجباری با داوطلبانه: دولت نباید کودکان را «به اجبار» به نیروهای مسلح خود احضار نماید. در این راستا، کشورهای عضو پروتکل، حداقل سن مجاز را باید برای استخدام داوطلبانه سربازان در ارتش‌های ملی معین نمایند و از داوطلبانه‌بودن آن، به طرق مختلف اطمینان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

حاصل نمایند (۸). به عنوان مثال وجود رضایت‌نامه از والدین یا کسب اطلاعات کافی از منابع موثق و مصاحبه با افراد که البته در شرایط بحرانی و جنگ کار آسانی نخواهد بود. افزون بر آن، در مواردی که کمبود نیروهای نظامی احساس می‌شود، این خطر بالقوه کودکان را بیشتر تهدید می‌کند که تحت تأثیر فشار افکار عمومی یا اجبار دولت به نیروی مسلح ملحق شوند. بر اساس بند دوم ماده ۳ پروتکل اختیاری، هر دولتی در زمان تصویب یا الحاق اعلامیه‌ای می‌دهد و سنی را که «داوطلبانه» می‌داند، در اعلامیه اشعار می‌دارد و چهارچوبی برای داوطلبان قرار می‌دهد. در واقع، مواد ۲ و ۳ پروتکل اختیاری ۲۰۰۰ در مورد شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه به مسأله اجباری با داوطلبانه‌بودن شرکت کودکان در نیروهای مسلح اختصاص داده شده است، حال آنکه معیار تشخیص داوطلبانه‌بودن، در اختیار کشورهاست و قاعده کلی و فراگیری وجود ندارد و نقش دولت‌ها در این میان، تنها اطمینان از داوطلبانه‌بودن است (۹).

در پروتکل مذکور، هرچند دولت‌ها متعهد و مکلف شده‌اند که افراد کمتر از هجده سال را به استخدام اجباری نیروهای مسلح در نیاورند و همچنین این تعهد برای گروه‌های مسلح، غیر از قوای مسلح دولت نیز در نظر گرفته شده است. با این همه، ماده ۳ پروتکل تصریح می‌کند که ممنوعیت استخدام کودکان شامل داوطلبان خدمت در نیروهای مسلح می‌شود و نه شامل کسانی که در آموزشگاه‌های نظامی، زیر نظارت نیروهای مسلح در حال آموزش هستند.

۳ـ سن کودکان در گروه‌های شبه نظامی: در این سند علاوه بر دولت‌ها، گروه‌های شبه‌نظامی، شورشی، جنبش‌ها و... که از گروه‌های نظامی ملی منکف هستند، ملزم شده‌اند که افراد زیر ۱۸ سال را به استخدام نگمارند. در ماده ۴ پروتکل، در این مورد تکالیفی برای دولت و گروه‌های شبه‌نظامی غیر از قوای مسلح دولت، وضع گردیده است، چنانکه در بند اول آن تضعیف گروهک‌ها و شبه‌نظامیان از طریق کاهش نیروهای آنان و در بند دوم، قواعد دوجانبه‌ای میان دولت و شبه‌نظامیان مقرر شده است. علاوه‌بر موارد فوق، در ماده ۶ پروتکل فوق‌الذکر به مسأله بازپروری جسمی و روحی و معافیت از خدمت سربازی، برای کودکانی که درگیر در مخاصمه مسلحانه بوده‌اند، اشاره شده است. اتخاذ اقدامات حقوقی و اداری لازم در خصوص وضع با اصلاح قوانین مربوطه، افزایش آگاهی‌های عمومی به مفاد پروتکل و ارائه گزارش‌های مشخص نیز از جمله وظایف محوله به دولت‌ها در جهت اجرای ملی و بین‌المللی پروتکل است (۱۰).

ملاحظه می‌شود هرچند که قبل از تصویب این پروتکل، استخدام کودکان در نیروهای مسلح به طور کامل و جازم ممنوع نبود و حمایت شامل کودکان زیر ۱۵ سال بود، ولی در این پروتکل افراد زیر ۱۸ ساله، اعم از دختران و پسران، می‌بایست از نیروهای مسلح و شرکت در مخاصمه در امان بمانند و حتی در صورت شرکت آنان در عرصه نبرد، بازپروری آنان مطرح می‌شود (۱۱) که خود حمایتی خاص است و این ابتکار و نوآوری جدید، نتیجه تغییر دیدگاه افکار عمومی و نگرش دولت‌ها به کودکان است. به همین جهت، هرچند پیشرفت‌هایی در خصوص سن کودکان، اجباری یا داوطلبانه‌بودن شرکت آن‌ها، کودکان درگیر در گروه‌های شبه‌نظامی و بازپروری آن‌ها به وجود آمده است، ولیکن کماکان خلأها و کمبودهایی در متن مواد، به ویژه در خصوص ایجاد تکلیف برای گروه‌های شبه‌نظامی به چشم می‌خورد. برای نمونه، طرق اطمینان دولت‌ها از داوطلبانه‌بودن یا کمبودهای موجود در بند دوم ماده ۴ یا تعارض میان جرم‌افکاری موجود در دیوان بین‌المللی کیفری، در خصوص سن سربازگیری کودکان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

۱۵ سال می‌باشد که همگی از جمله این مصادیق است (۱۲).

۳. تضمین حق بر سلامت کودکان در مخاصمات مسلحانه چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح: با ملاحظه اسناد مربوط به کودکان، حمله به سلامت جسمی و روحی کودک، منع هتک حرمت، مراقبت‌های پزشکی از قبیل مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال و اولویت در اقدامات امدادرسانی و حق مراقبت و کمک برای زندگی مجدد و بازپروری جسمی و روحی، در این اسناد به چشم می‌خورد، به طوری که تمام اقدامات صورت گرفته می‌بایست در جهت حفظ منافع و سلامت کودکان باشد، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ و پس از آن (۱۳). تأثیر درگیری‌های مسلحانه بر کودکان، به مراتب شدیدتر از سایر مردم است، به طوری که هر سال هزاران کودک در جنگ کشته می‌شوند که البته بسیاری از آن‌ها بر اثر سوءتغذیه و عدم ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی جان خود را از دست می‌دهند. بسیاری از درگیری‌های مسلحانه داخلی در کشورهای فقیر جهان رخ می‌دهد؛ جایی که مردم آن‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند، مثلاً در جنگ سومالی بیشتر از نصف مرگ و میر کودکان در بعضی از مناطق به علت سرخچه و در برخی مناطق دیگر بر اثر اسهال بوده است. به طور کلی، جنگ آثار زیادی بر کودکان دارد، از جمله از دست‌دادن جان، صدمه و بیماری، سوءتغذیه، معلولیت، شکنجه، سوءاستفاده جنسی، زندان، جدایی از خانواده، پریشانی روانی، جا به جایی، فقر، کمبود مواد غذایی و البسه، فروپاشی نظام آموزشی، از هم پاشیدگی برنامه واکسیناسیون، گسیختگی فرهنگی و اجتماعی و انحراف از ارزش‌ها، پیامدهای جنگ نسبت به کودکان است (۱۴). حقوق بشردوستانه در زمینه ممنوعیت حمله به مکان‌های غیر نظامی، به ویژه بیمارستان‌ها و تأسیسات بهداشتی و تأمین وسایل بهداشتی و پزشکی برای غیر نظامیان، به ویژه کودکان و مادران بارداری در حال زایمان یا شیرده، تغذیه و پشتیبانی غذایی کودکان در مناطق جنگی مقرراتی دارد. چنانکه در ماده ۷۰ پروتکل ۱۹۷۷ تحت عنوان اقدامات امدادرسانی تأکید می‌کند، اشخاصی مانند خردسالان، مادران باردار، زنان شیرده و زنان در حال زایمان از رفتار ترجیحی و حمایت ویژه برخوردارند و بایستی در اولویت قرار گیرند (۱۵) و مطابق بند ۲ ماده مذکور، طرف‌های مخاصمه هریک از طرف‌های متعاهد باید عبور سریع و بی‌وقفه کلیه محموله‌ها، تجهیزات و کارکنان را اجازه دهند و آن را تسهیل کنند. پروتکل دوم نیز در ماده ۴ اشاره دارد که طرفین جنگ ملزم هستند تا کودکان را براساس نیازهایشان مورد حمایت و مراقبت خود قرار دهند. به علاوه، ماده ۳۹ پیمان‌نامه حقوق کودک بیان می‌دارد: «دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب را به منظور پیشرفت بهبود جسمی و روانی کودکانی که قربانی درگیری مسلحانه بوده‌اند، به عمل آورند. اسناد حقوق بشری بر حق داشتن خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی تأکید دارند، از جمله ماده ۲۵ اعلامیه جهانی بشر ۱۹۴۸ و اصل ۸ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ بیان می‌دارند کودک، باید در همه شرایط اولین کسی باشد که مورد حمایت قرار می‌گیرد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رم در ماده ۸ خود، تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی‌آن را توجیه نمی‌کند (۱۶) و هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان تأسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه‌ای که در کمک رسانی بشردوستانه به کار گرفته می‌شود و همچنین تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان و جلوگیری خودسرانه را از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های ژنو، جنایت جنگی تلقی می‌نماید (۱۷).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

تاکنون آنچه مورد بررسی واقع شد، آسیب‌های جسمی کودکان در زمان جنگ بود، در حالی که آسیب‌ها تأثیرات روحی و روانی جنگ بر کودکان اغلب شدیدتر از آسیب‌های جسمی بوده و درد و رنجی که یک کودک از نظر روحی تجربه می کند، بیشتر است. کودکی که والدین خود را از دست می‌دهد، غم و رنج شدیدی بر وی چیره می‌شود و در صورتی که خود شاهد کشته‌شدن آن‌ها باشد، این تألم چندین برابر می‌شود. بنابراین، زمانی که کودکان این غم و اندوه را در زمان جنگ تجربه می‌کنند یا فکر جدایی از خانواده خود را همیشه به یاد دارند، اندوه آن‌ها شدیدتر می‌شود اسناد و قوانین بشردوستانه نیازهای روحی و روانی کودکان را مانند نیازهای جسمی مورد توجه قرار داده‌اند، از جمله این اسناد پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو است که در ماده ۷۷ بند ۱ آن چنین آمده است: «کودکان باید مورد احترام خاصی قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیر محترمانه حمایت شوند» (۱۸). طرف‌های مخاصمه می‌بایست مراقبت و کمکی را که کودکان، خواه به علت سن و یا به علت دیگری به آن نیاز دارند، برای آن‌ها فراهم نمایند، چنانکه اصول ۲ و ۵ اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ به تأمین نیازهای روانی کودکان تأکید دارد، پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز در مواد ۳۸ و ۳۹ خرد راجع به نیازهای روانی کودک بحث نموده است. ماده ۷ پروتکل ۲۰۰۰ نیز در زمینه بازگشت مجدد قربانیان به جامعه و کمک‌های فنی و مالی به کودکان، تشویق‌ها و الزاماتی برای دولت‌ها دربر دارد (۱۹). به هر حال، تجربه نشان داده است که با پشتیبانی غذایی و برقراری امنیت می‌توان کاری کرد که کودکان سلامتی و بهبودی روانی خود را به تدریج به دست آوردند و بتوانند زندگی عادی خود را آغاز کنند. در همه این مراحل باید اقداماتی در اولویت قرار گیرند که نیازهای روانی آن‌ها را تأمین کنند، مثلاً به خانواده‌هایی که از هم جدا شده‌اند، با توجه به «اصل وحدت خانوادگی» به هم بپیوندند و یا گروه‌های اضطراری بهداشت باید شامل پزشک اطفال و مجهز به مراقبت‌های بهداشتی برای نوجوانان باشند. مراقبت روانی، اجتماعی کودکان بایستی با استفاده از منابع اجتماعی مانند حمایت و کمک افراد خانواده، معلمین مدرسه و دیگر مددکاران اجتماعی، برای حمایت درازمدت از کودکی که به آن نیازمند است، انجام گیرد (۲۰).

مسأله دیگر در مورد وضعیت کودکان در جنگ، مسأله خشونت جنسی علیه کودکان است و این خشونت به مانند زنان بزرگسال از موضوعاتی است که کودکان را آزار می‌دهد، هرچند پسران نیز از خشونت جنسی در امان نیستند، ولی بیشتر این خشونت‌ها علیه دختران نوجوان انجام می‌گیرد. گسیختگی خانواده و جامعه زمان جنگ، میزان آسیب‌پذیری دختران را افزایش می‌دهد. به طور کلی، می‌توان اقدامات ذیل را جهت کاهش آسیب‌های کودکان در زمان جنگ ارائه نمود:

۱ـ اقدام سریع دولت‌ها جهت الحاق به پیمان‌نامه حقوق کودک و پروتکل‌های آن و ورود مفاد آن‌ها در قوانین داخلی، در نتیجه الزام به تعهدات بین‌المللی؛

۲ـ تأمین نیازهای کودک با توجه به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹؛

۳ـ دخالت جامعه جهانی لازم است، زیرا حمایت از کودکان از جمله موضوعاتی است که کل جامعه جهانی در برابر آن مسئولیت دارند و موضوع آن تمامیت انسان است، بنابراین در اختیار یک دولت نیست؛

۴ـ تعقیب مجرمان و جنایتکاران نسبت به کودکان؛

۵ـ نقش فعال کمیته حقوق کودک ملل متحد به عنوان نهاد نظارتی بر کنوانسیون حقوق کودک در ارتقای حقوق کودکان؛

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

۶ـ آموزش و پرورش کودکان در زمان جنگ: هرچند مدارس در طول جنگ ممکن است تعطیل شوند، ولی باید دانست که برپایی نظام آموزشی در شرایط اضطراری جنگ می‌تواند نوعی احساس امنیت در کودکان به وجود آورد و نیازهای روحی، روانی و عاطفی آن‌ها را تا حدی برطرف نموده، باعث شود که آن‌ها کمتر به مصایب جنگ فکر کنند. از طرفی، مشغول‌نمودن کودکان در مدارس از ورود آن‌ها در جنگ و بزهکاری آن‌ها می‌کاهد (۲۱).

اسناد حقوق بشری نیز به صراحت بر برخورداری کودکان از آموزش و پرورش در هر شرایطی تأکید دارند، چنانکه در بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بر رایگان و اجباری بودن آن نیز تأکید شده است. در پروتکل دوم پیمان‌نامه‌های چهارگانه ژنو نیز در ماده ۴ از برخورداری کودکان از خدمات آموزشی، مذهبی و اخلاقی سخن به میان آمده است. حقوق بشردوستانه نیز از طرفین درگیر در جنگ می‌خواهد که از آسیب‌رساندن به مکان‌های آموزشی خودداری نمایند.

ماده ۵۳ پروتکل اول «۱۹۷۷» و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۸ هدف‌قراردادن ساختمان‌های آموزشی، هنری، علمی و خیریه را جرم جنگی تلقی نموده است. نقش معلمان در ترویج حقوق بشر، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی کودکان، آموزش مسائل بهداشتی، آگاهی از خطر مین‌های زمینی و گلوله‌های منفجرنشده بسیار برجسته و بارز است.

۷ـ ممنوعیت استفاده از مین‌های ضد نفر: هم در زمان جنگ و هم پس از آن، کودکان در معرض این خطر قرار دارند. در کره زمین حدود یکصد و ده میلیون مین در ۶۸ کشور درون خاک کار گذاشته شده است که انتظار قربانیان را می‌کشند. علاوه بر این مین‌ها، میلیون‌ها قطعه منفجرنشده مهمات، بمب‌ها، پوسته‌ها و نارنجک‌های عمل‌نکرده نیز وجود دارند. بنابراین، این مین‌ها و مواد منفجره خطراتی بی‌صدا هستند و پیوسته، حتی پس از چند دهه تلفات زیادی برای غیر نظامیان دربر دارند (۲۲). کودکان در این میان، از آنجا که کنجکاو بوده یا برای کار به مزرعه می‌روند یا برای چرای حیوانات به بیابان می‌روند، این مواد را لمس می‌کنند و در نتیجه، باعث انفجار آن‌ها می‌شود، هرچند که علائم هشداردهنده نیز باشد. برای حمایت از کودکان در برابر خطرات مین‌های زمینی، می‌بایست در خصوص توقف تولید مین‌های زمینی، پاکسازی مین‌هایی که روی زمین کار گذاشته شده است، اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور آگاه‌سازی مردم به ویژه کودکان از میادین مین و کمک به کودکانی که در اثر انفجار مین مجروح یا معلول شده‌اند، فعالیت‌هایی صورت پذیرد. جامعه جهانی نیز از اوایل دهه هشتاد، فعالیت‌هایی جهت ممنوعیت استفاده از مین‌های ضد نفر آغاز کرد. برای نخستین‌بار در پیمان‌نامه ۱۹۸۱، محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف مطرح شد و پروتکل دوم این کنوانسیون به طور کلی به مین‌های زمینی اختصاص یافت. مین‌های زمینی انواع متعددی مانند مین ضدتانک، مین ضد خودرو و مین ضد نفر دارد (۲۵). با توجه به آمار زیاد تلفات انسانی بر اثر مین‌های ضد نفر، جامعه جهانی از سال ۱۹۹۲ یک مبارزه بین‌المللی را برای توقف استفاده از مین‌های ضد نفر آغاز نمود و با تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، معاهده‌ای با نام پیمان‌نامه ممنوعیت تولید، استفاده، ذخیره و انتقال مین‌های ضد نفر پس از تصویب ۴۰ کشور در تاریخ اول مارس ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا گردید که عموماً مواد آن در مورد توقف تولید، استفاده، ذخیره و فروش آن‌هاست و بحث پاکسازی آن‌ها را مطرح می‌کند. همچنین کشورهای عضو موظف هستند که آمار کامل مین‌های ضد نفر ذخیره‌شده خود را به کمیته حقوق کودک گزارش نمایند و این

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

کمیته در صورت شک و ظن می‌تواند هیأت حقیقت‌یاب به آن کشور اعزام کند. کشورهای عضو نیز متعهد می‌شوند تا گزارشی از اقدامات انجام‌شده خود در خصوص قانونگذاری داخلی را به کمیته حقوق کودک اعلام نمایند. با توجه به مجموع مطالبی که در سطور فوق بیان گردید، حمایت خاص از کودکان بر اساس مقررات حقوق بشردوستانه در قالب حفظ سلامتی آن‌ها بدین قرار است که سلامت جسمی و روحی، حفظ تمامیت و احترام به عنوان فرد انسانی قبل، در خلال و بعد از جنگ باید مورد توجه قرار گیرد و کوچک‌ترین خدشه‌ای به سلامت آن‌ها وارد نگردد. در این راستا، اولاً کودکان می‌بایست از خشونت، سوءاستفاده‌های جنسی، شکنجه و... مصون باشند؛ ثانیاً در صورت نیاز به مراقبت و خدمات پزشکی در اقدامات امدادرسانی در اولویت باشند و بیمارستان‌ها، پرورشگاه‌ها و پزشکان اختصاصی اطفال در دسترس آن‌ها قرار گیرد؛ ثالثاً بنا به هر دلیلی که کودکی دچار مخاطره یا بیماری جسمی و روحی قرار گرفت، زمینه‌های بازگشت به خانواده، جامعه و زندگی عادی برایش فراهم گردد، حقوق آموزشی و فرهنگی وی حتی در دوران جنگ نیز ثابت و برقرار باشد و تمام تلاش‌ها در جهت بازپروری جسمی و روحی وی صورت گیرد (مواد ۶ و ۷ پروتکل ۲۰۰۰ پیمان‌نامه حقوق کودک).

۴. تضمین حق بر امنیت فردی و اجتماعی کودکان در مخاصمات مسلحانه: در رابطه با امنیت فردی و اجتماعی کودکان باید بیان داشت که کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های آن در خصوص ممنوعیت بازداشت و توقیف کودکان، ممنوعیت حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، انتقال کودکان و اعاده به میهن و تخلیه آنان و ایجاد مناطق امنیتی در خلال جنگ حاوی مقرراتی هستند:

۴-۱. اصل ممنوعیت بازداشت کودکان و آزادی از توقیف: اصل کلی بر این است که نباید کودک را بازداشت یا توقیف نمود، لیکن در ماده ۸۲ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو، سخن از دسته‌بندی بازداشتیان به میان آمده است که بر حسب زبان، ملیت و رسوم طبقه‌بندی می‌شوند و اینکه اعضای یک خانواده در مدت بازداشت با هم مجتمع خواهند شد، مگر اینکه به علت مقتضیات کار با سلامت مزاح یا اجرای مقررات، جدایی موقتی ضرورت یابد. به بیان دیگر، با ملاحظه اسناد مربوطه می‌توان گفت که حمایت از ممنوعیت بازداشت کودکان در حقوق بشردوستانه در استثنای کلی دارد: ۱ـ رعایت اصل وحدت خانوادگی؛ ۲ـ یا وجود دلایل امنیتی. در پروتکل اول بند ۲ ماده ۷۷ پاراگراف چهارم آمده است: «هرگاه کودکان به دلایل مربوط به مخاصمه دستگیر یا بازداشت شده یا تحت نظر قرار گیرند، باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند.» بنابراین، اصولاً نباید کودکان را توقیف، حبس یا زندانی نمود، ولی در صورتی که کودکان ویژگی غیر نظامی‌بودن خود را از دست بدهند یا برای اصل وحدت خانوادگی یا دلایل امنیتی می‌توان آن‌ها را توقیف یا حبس نمود، البته به شرطی که از بزرگسالان مجزا باشند (۲۳).

علاوه بر آن، در ماده ۷۶ کنوانسیون چهارم ژنو که در مورد اراضی اشغالی است، بیان گردیده است که کودکان تحت رژیم مخصوص برای بازداشت هستند که برای آن‌ها تعیین شده است. در ماده ۸۸ آن در مورد جیره غذایی بازداشتیان زنان تازه‌زا و باردار و اطفال کمتر از ۱۵ سال بیان شده است که آن‌ها اضافه غذایی متناسب با احتیاجات جسمانی خود را دریافت خواهند نمود و در مورد آزادی از بازداشت، در ماده ۱۳۲ آمده است که دولت‌ها سعی خواهند نمود با انعقاد موافقت‌نامه‌هایی برای آزادی و اعاده به میهن بازداشتیان، به ویژه اطفال و زنان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

باردار و اطفال کوچک، بازگشت و آزادی آن‌ها را تسهیل نمایند (۲۴).

۴-۲. ممنوعیت حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال: یکی دیگر از فصول مشترک حقوق بشر و بشردوستانه در مورد کودکان، ممنوعیت حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال است، به طوری که هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۶ بند پنجم صراحتاً بیان گردیده است و هم در کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ «ماده ۶۸» و علاوه بر آن، در پروتکل اول ۱۹۷۷ «بند پنجم ماده ۷۷» و در بند چهارم ماده ۶ پروتکل دوم ۱۹۷۷، مواد مشابهی وجود دارد که همگی حاکی از ممنوعیت صدور حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال است. بنابراین کودکان چه جرائم جنگی مرتکب شوند و چه جرائم غیر جنگی یا به دلایل امنیتی نباید به مجازات اعدام محکوم شوند و به طور کلی کودکان زیر ۱۸ سال از صدور حکم اعدام معافند، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ.

۴-۳. انتقال، اعاده به میهن، تخلیه و ایجاد مناطق امنیتی در خلال جنگ: برای رعایت هرچه بیشتر حقوق کودکان در طول جنگ و پس از آن، دولت‌ها با کمک صلیب سرخ و دیگر نهادهای ذی‌ربط اقداماتی را برای کودکان در جهت حفظ کانون خانوادگی و بازگشت به اجتماع اولیه خودشان انجام می‌دهند. مواد ۲۴، ۲۵ و ۵۰ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مؤید این مطلب است، به علاوه، در ماده ۷۸ پروتکل اول مقررات نقل و انتقال کودک نیز بیان گردیده است. هدف از این نقل و انتقالات حفظ وحدت خانوادگی کودک، کمک به حفظ سلامت جسمی و روحی وی و در امان‌ماندن از آثار جنگ است که هم در زمره حقوق شخصی کودکان قرار می‌گیرند و هم حفظ امنیت و سلامتی کودک (۲۵).

۴-۴. مسأله حمایت از کودکان آواره و پناهنده: درگیری‌های مسلحانه معمولاً جابه جایی مردم غیر نظامی را به دنبال دارد و کودکان به همراه والدین خود، به کشورهای همسایه با نواحی همجوار مهاجرت می‌کنند. این کودکان در یک زمان بحرانی و آسیب‌پذیر در طول زندگی خود به سر می‌برند؛ در معرض خطرات جانی قرار دارند، حملات ناگهانی گروه‌های نظامی، بمباران هوایی، انفجار مین‌ها، کمبود غذا و آب آنان را تهدید می‌کند و منجر به سوءتغذیه و بیماری آن‌ها می‌شود. پناهندگان عمدتاً افرادی هستند که بنا به ترس موجه مربوط به نژاد، مذهب، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا داشتن نظرات سیاسی، کشور زادگاه خویش را ترک می‌گویند. «ماده ۱ کنوانسیون ژنو ۱۹۵۹ در مورد وضعیت پناهندگان»، ولیکن آوارگان کسانی هستند که برای گریختن از آزار و اذیت خانه‌هایشان را ترک می‌گویند، اما در وطن خویش می‌مانند، از جمله آثار مستقیم جنگ بر غیر نظامیان، به ویژه کودکان مسأله آوارگی جنگی و پناهندگی آن‌هاست که در این مورد کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان مهم‌ترین نهاد نظارتی است و امدادرسانی به آن‌ها را به عهده دارد و با تعامل با سایر نهادها در جهت انتقال، اسکان مجدد، ادغام در جامعه محلی و بازگشت به میهن گام می‌نهد (۲۶).

در رابطه با شمول عنوان پناهندگی به کودکان می‌بایست گفت که هرچند کنوانسیون ۱۹۵۹ ژنو در این زمینه سکوت کرده است و به طور اطلاق از پناهندگی سخن گفته است، ولی دو معیار در این سند برای پناهندگی به چشم می‌خورد.

۱ـ ترس موجه و اینکه کودکان به علت وجود ترس موجه از تعقیب و آزار و شکنجه به کشور دیگر پناهنده گردند؛

۲ـ اصل وحدت خانواده که بر اساس آن اعطای پناهندگی والدین به رییس با سرپرست خانواده به دیگر اعضای آن

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

اعم از مردم و زن، دختر و پسر نیز سرایت می‌کند و در نتیجه وضعیت پناهندگی والدین به کودکان منتقل می‌شود. اعمال این اصل در صورتی که کودکان همراه با والدین خود باشند، مشکلی به وجود نمی‌آورد. مشکل زمانی است که کودک همراه والدین خود نباشد که در این زمینه کنوانسیون سکوت می‌کند. کودکان پناهنده و آوار علی‌الخصوص زمانی که همراه والدین خود نباشند (۲۷)، صدمات بیشتری را شاهد هستند که البته این امر نسبت به دختران پناهنده به مراتب بیشتر است. به عبارت دیگر، مسائل بهداشتی و مراقبت‌های درمانی، اعمال آموزشی و فرهنگی، حملات کورکورانه به اماکن غیر نظامی مخصوصاً اردوگاه‌های پناهندگان خطراتی هستند که کلیه کودکان را تهدید می‌کنند. در این میان پسران به سربازگیری اجباری گماشته می‌شوند، ولی دختران خشونت‌های بیشتری را تحمیل می‌کنند افسردگی، ناامیدی و احساس بدبختی، شکاف در ارتباط‌های انسانی، خصومت، خشونت و تبعیض در کشور میزبان با منطقه میزبان، فقدان مصونیت از خشونت و انواع دیگر بدرفتاری و استثمار، ناتوانی در پیداکردن کار، تغییر در روابط خانوادگی، سوءاستفاده جنسی و ضرب و شتم جنسی، از جمله موضوعاتی است که تمامیت جسمی و روحی کودکان پناهنده را تهدید می‌نماید (۲۸).

در رابطه با حمایت‌هایی که از کودکان پناهنده به عمل آید، علاوه بر ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۲ پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز مسأله حمایت از کودکان را چه همراه والدین خود باشند و چه غیر همراه، مطرح می‌نماید و آن‌ها را محق به حمایت‌های بشردوستانه می‌داند. به‌هم‌پیوستن مجدد اعضای خانواده، انتقال آن‌ها به نواحی امن و عاری از جنگ، بهداشت و مراقبت‌های پزشکی، حق دریافت کمک‌های انسان‌دوستانه از طریق منابع ملی یا بین‌المللی، وجود مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال، ممنوعیت اشتغال کودکان پناهنده، به ویژه در استخدام‌درآوردن آن‌ها توسط نیروهای مسلح، از محتوای کنوانسیون چهارم (مواد ۲۴ و ۲۵) و مسأله حمایت از کودکان آواره و پناهنده نیز از پروتکل اول به دست می‌آید. علاوه بر مطالب فوق، کودکان می‌بایست تحت تعلیم و تربیت و رفتار مشابه اتباع کشور پذیرنده قرار گیرند و به سطح رضایت‌بخشی از آموزش دست یابند و برنامه‌های آموزشی، تفریحی، علمی و فرهنگی در اردوگاه‌ها لازم است به علت وجود تفاوت فرهنگی میان مردم محلی کشور پناهنده‌پذیر یا پناهندگان، محیط اجتماعی باید زمینه مناسب را برای اعمال مذهبی و فرهنگی آن‌ها فراهم کند و تبعیض علیه مردم آواره صورت نگیرد. در رابطه با کودکان پناهنده غیر همراه نیز می‌بایست بیان داشت که جدایی کودکان از والدین به صورت موقت یا دائم، از بزرگ‌ترین معضلات کودکان پناهنده و آواره است (۲۹). بنابراین بیشترین توجه جامعه بین‌المللی در مورد کودکان غیر همراه، شناسایی و پیوستن آن‌ها به خانواده‌هایشان است که در زمینه تسهیل جستجوهای دولت و برقراری تماس با اعضای خانواده کودکان است. در سطح بین‌المللی، وظیفه اصلی بازگرداندن کودکان غیر همراه به خانواده‌هایشان به عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان است که کمیته این مسئولیت را توسط «سرویس تجسس» خود انجام می‌دهد. کمیته حقوق کودک در قطعنامه ۲۴ خود اشعار می‌دارد: «کلیه اقدامات لازم جهت یافتن والدین و یا سایر خویشاوندان نزدیک کودکان توسط سرویس تجسس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صورت می‌گیرد» (۳۰).

۵. راهکارها و پیشنهادها: در این راستا به اقداماتی که می‌تواند موجب فرهنگ‌سازی حقوق بین‌المللی بشردوستانه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

و حقوق بشر و توسعه هنجارهای حمایتی از کودک اشاره کرد، این است که:

۱ـ بازیگران این حوزه حتی سربازان، می‌بایست نسبت به قانون آگاهی داشته و به هنجارهای حمایت از کودک عمل کنند؛

۲ـ دولت‌ها در اشاعه و گسترش محتوای کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ تلاش کنند؛

۳ـ دولت‌ها نقش به سزایی در تأمین منافع اولیه کودکان داشته و باید حقوق بنیادین کودکان در جنگ را فراهم کنند و برای ریشه‌کنی فقر تلاش کنند، چه بسا از این طریق از جذب‌شدن کودکان به نیروهای شورشی جلوگیری شود، زیرا کودکان به خاطر گرسنگی و نداشتن خانواده، جذب این نیروه‌ها می‌شوند؛

۴ـ نماینده ویژه دبیرکل در امور کودکان و مناقشات مسلحانه، باید بکوشد تا حفاظت از کودکان را در جریان مخاصمات تقویت کند و با ارائه گزارشات خود برای بهترشدن موازین حمایتی از کودکان، گام‌های مؤثری بردارد؛

۵ـ با ترویج و انتشار این قواعد و موازین حمایتی از کودک توسط دولت‌ها و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و تقویت مکانیسمی برای انجام اقدامات عملی علیه ناقضان حقوق کودک و پایان‌دادن به بی‌کیفری ناقضان جرائم جنگی حمایت از کودکان قربانی جنگ، جنبه عملی‌تر به خود خواهد گرفت؛

۶ـ آموزش کودکان در مورد دانستن حقوق خود در طول، مخاصمات، از این جهت که از چه حقوق و امتیازاتی برخوردار هستند و در طول مخاصمات حقوق آن‌ها می‌بایست رعایت گردد که به توسعه و حمایت از حقوق آن‌ها کمک شایانی خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

تحلیل ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در طول دهه‌های اخیر از یک دغدغه صرفاً اخلاقی و بشردوستانه به یک تعهد حقوقی تثبیت‌شده در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر تحول یافته است. با وجود شکل‌گیری مجموعه‌ای گسترده از قواعد الزام‌آور بین‌المللی و توسعه سازوکارهای نظارتی و پاسخگویی، واقعیت‌های میدانی مخاصمات معاصر بیانگر آن است که کودکان همچنان در معرض نقض‌های نظام‌مند و گسترده حقوق بنیادین خود قرار دارند. استمرار کشتار، آوارگی، محرومیت از آموزش، سوءاستفاده نظامی و آسیب‌های جسمی و روانی عمیق، نشان می‌دهد که نظام حقوق بین‌الملل هنوز نتوانسته است میان تعهدات هنجاری و اجرای مؤثر آن‌ها تعادل برقرار کند. از این منظر، کودکان را می‌توان روشن‌ترین نمود آسیب‌پذیری غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه دانست؛ گروهی که بیش از هر قشر دیگری پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت جنگ را تجربه می‌کند و آثار آن تا نسل‌های بعدی امتداد می‌یابد.

تحولات مخاصمات معاصر، به ویژه طولانی‌شدن درگیری‌ها، گسترش جنگ‌های نامتقارن و ورود فناوری‌های نوین نظامی، ساختار سنتی حمایت از غیر نظامیان را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. فناوری‌هایی که در اصل با هدف افزایش دقت عملیات نظامی و کاهش خسارات غیر نظامی توسعه یافته‌اند، در عمل همواره به کاهش آسیب‌های انسانی منجر نشده و در مواردی حتی دامنه و شدت تهدیدات علیه کودکان را افزایش داده‌اند. در چنین شرایطی، فاصله میان ظرفیت هنجاری حقوق بین‌الملل بشردوستانه و واقعیت‌های عملی مخاصمات به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی بین‌المللی تبدیل شده است. این شکاف نشان می‌دهد که مسأله

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

اصلی نه فقدان قواعد حقوقی، بلکه ضعف در تضمین اجرای مؤثر آن‌ها و محدودبودن سازوکارهای پاسخگویی در برابر نقض‌های گسترده است.

با وجود این چالش‌ها، بررسی روندهای حقوقی نشان می‌دهد که حمایت ویژه از کودکان در مخاصمات مسلحانه به تدریج به یکی از اصول بنیادین نظم حقوقی بین‌المللی تبدیل شده است. تراکم اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، گسترش رویه‌های قضایی و شبه‌قضایی و افزایش حساسیت افکار عمومی جهانی نسبت به وضعیت کودکان در مناطق جنگی، حاکی از آن است که اصل حمایت ویژه از کودکان جایگاهی فراتر از تعهدات قراردادی یافته و به سمت تثبیت در قالب قواعد عرفی حقوق بین‌الملل حرکت کرده است. این تحول بیانگر شکل‌گیری نوعی اجماع هنجاری در جامعه بین‌المللی است که بر مصونیت کودکان از آثار مخاصمات مسلحانه تأکید دارد و نقض این مصونیت را به عنوان یکی از جدی‌ترین موارد تخطی از اصول بنیادین انسان‌دوستانه تلقی می‌کند.

با این حال، واقعیت‌های سیاسی و امنیتی معاصر نشان می‌دهد که هنجارهای حقوق بشردوستانه در بسیاری از موارد تحت تأثیر ملاحظات قدرت، منافع ملی و سیاست‌های هویتی قرار گرفته و از کارآمدی آن‌ها کاسته شده است. در بسیاری از مخاصمات معاصر، کودکان نه‌تنها قربانیان ناخواسته جنگ، بلکه در مواردی به ابزارهای فشار سیاسی و نظامی تبدیل شده‌اند؛ وضعیتی که بیانگر تضعیف تدریجی مرزهای سنتی میان اهداف نظامی و غیر نظامی و فروکاستن ارزش‌های انسانی در منطق مخاصمات نوین است. استمرار وضعیت کودکان در مناطق مختلف درگیری نشان می‌دهد که جنگ‌های امروز، صرفاً امنیت جسمانی کودکان را تهدید نمی‌کنند، بلکه بنیان‌های هویتی، اجتماعی و روانی نسل‌های آینده را نیز متزلزل می‌سازند.

در پرتو این تحولات، حمایت مؤثر از کودکان در مخاصمات مسلحانه مستلزم بازاندیشی در چهارچوب‌های تفسیری و اجرایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. تقویت سازوکارهای اجرایی، توسعه تفسیرهای نوین متناسب با فناوری‌های جدید جنگی، گسترش صلاحیت نهادهای نظارتی و قضایی و افزایش سطح پاسخگویی دولت‌ها و سایر بازیگران مسلح، از جمله الزامات اساسی برای کاهش شکاف میان هنجار و واقعیت به شمار می‌آید. همچنین امکان تدوین اسناد تخصصی‌تر در حوزه حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه و تقویت همکاری میان نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و بشردوستانه می‌تواند به انسجام بیشتر نظام حمایتی موجود کمک کند.

در نهایت، آینده حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا حد زیادی به توانایی آن در تضمین حمایت واقعی از کودکان وابسته است، اگرچه کودکان نخستین قربانیان جنگ هستند، اما در عین حال مهم‌ترین سرمایه انسانی جوامع نیز به شمار می‌آیند و تداوم نقض حقوق آنان پیامدهایی فراتر از مرزهای زمانی و مکانی مخاصمات خواهد داشت. از این رو، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه باید نه صرفاً به عنوان یک تعهد حقوقی، بلکه به مثابه یکی از معیارهای بنیادین سنجش مشروعیت و انسانیت نظم بین‌المللی تلقی شود. تنها در صورتی که مصونیت کودکان به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر در تفسیر و اجرای قواعد حقوقی پذیرفته شود، می‌توان امید داشت که نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قادر به ایفای رسالت انسانی خود در برابر آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Bagherzadeh S, Abbasi M, Sharifi Tarazkoohi H. Protection of the Rights of Transsexuals in the Light of the General Comments of the Committee on the Rights of the Child. Journal of Human Rights. 2022; 17(1): 117-140. [Persian]

2. Heymamn J, Sprague A, Rub A. Advancing Equality. California: University of California Press; 2020.

3. Parikh C. Writing Human Rights: The Political Imaginaries of Writers of Color. London: University of Minnesota Press; 2017.

4. Odello M. Fundamental Standards of Humanity: A Common Language of International Humanitarian Law and Human Rights law, International Humanitarian Law and Human Rights Law towards a New Merger in International Law. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers; 2008.

5. OIC Independent Permanent Human Rights Concludes its Fifth Regular Session. 2014. Available at: http://oichumanrights.wordpress.com.

6. Petersen MJ. Islamic or Universal Human Rights? The OIC's Independent Permanent Human Rights Commission. Copenhagen: Danish Institute for International Studies; 2012.

7. Henckaerts JM. The ICRC Study on Customary International Humanitarian Law: Characteristics, conclusions and practical relevance. Geneva: Proceeding of the Conference on the Customary International Humanitarian Law; 2011.

8. Kayaoglu T. A Rights Agenda for the Muslim World. Doha: Brookings Doha Center Publications; 2013.

9. Aptel C. Unpunished Crimes: The Special Court of Sierra Leone and Children. Edited by Chernor Jallah C. In: The Sierra Leone Special Court and its Legacy: The Impact for Africa and International Criminal Law. Cambridge: Cambridge University Press; 2014.

10. Arfat SH. Islamic Perspective of the Children's Rights: An Overview. Asian Journal of Social Sciences & Humanities. 2013; 2(1): 299-307.

11. Bennett Woodhouse B. Religion and Children's Rights. Edited by Jr JW, Green MC. In: Religion and Human Rights: An Introduction. New York: Oxford University Press; 2012.

12. Brammertz S, Jarvis M. Prosecuting Conflict-Related Sexual Violence at the ICTY. Oxford: Oxford University Press; 2016.

13. Brickell K. Fire in the House: Gendered Experience of Drunkenness and Violence in Siem Reap. Geoforum. 2008; 39(5): 1667-1675.

14. Broadhurst R, Bounhours T, Bouhours B. Violence and the Civilizing Process in Cambodia. Cambridge: Cambridge University Press; 2015.

15. De Brouwer AM, Ka Hon Chu S. The Men Who Killed Me: Rwandan Survivors of Sexual Violence. Vancouver: Douglas and McIntyre Publishers; 2012.

16. Devakumar D. The intergenerational effects of war on the health of children. BMC Medicine. 2014; 12: 57.

17. Dinstein Y. The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict. Cambridge: Cambridge University Press; 2004.

18. Divine G. No Safe place for Women Stop Violence against Women Challenge 2017. California: Createspace Independent Publishing Platform; 2017.

19. Fall M. The Extraordinary African Chambers: The Case of Hissene Habre. In: Africa and the International Criminal Court. 2014.

20. Focarelli C. Common Article 1 of the 1949 Geneva Conventions: A Soap Bubble?. European Journal of International Law. 2010; 21(1): 125-171.

21. Henckaerts JM, Doswald-Beck L. Customary International Humanitarian Law Volume (I) Rules. Cambridge: Cambridge University Press; 2008.

22. Henckaerts JM, Askary P. Proceeding of the conference on the Customary International Humanitarian Law. Tehran: Majd Publications; 2012. [Persian]

23. Vandewiele T. Optional Protocol: The Involvement of Children in Armed Conflicts. Edited by Alen A, Vande Lanotte J, Verhellen E, Ang F, Berghmans E, Verheyde M. In: A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006. p.1-66.

24. Heymann J. Children's Chances: How Countries Can Move from Surviving to Thriving. Massachusetts: Harvard University Press; 2013.

25. Mosaffa N. Does the Covenant on the Rights of the Child in Islam Provide Adequate Protection for Children Affected by Armed Conflicts?. Muslim World Journal of Human Rights. 2011; 8(1): 23-39.

26. Popovski V. Protection of children in International Humanitarian Law and Human Rights Law, International Humanitarian Law and Human Rights

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

Law Towards a New Merger in International Law. Leiden: Martinus Nijhoff publishers; 2008.

27. Quenivet N. The History of the Relationship Between International Humanitarian Law and Human Rights Law, International Law and Human Rights Law Towards a New Merger in International Law. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers; 2008.

28. Richards JW, Cammett M, Diwan I. A Political Economy of the Middle East. 3rd ed. Boulder, CO: Westview Press; 2014.

29. Sharp J. Yemen: Civil War and Regional Intervention. Washington, DC: Congressional Research Service; 2017.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.